



۲۰۱۶/۳/۷

عبدالمجید منگل

دیپلمات سابق افغانستان در ملل متحد

## یادی از پژواک، یک شخصیت بزرگ با نام جاودان



سال آزادی کشور بود، پیام آور صلح و آزادی، ترقی و بازسازی، برابری و برادری و رعایت همه حقوق انسانی. خبرهای پراکنده ای که در جریان این سال از جبهات جنگ از طریق وسایل محدود آن زمان به قریه ها و قصبات کشور میرسید و از پیروزی های مبارزین راه آزادی در برابر دشمنان استعماری میهن همواره حکایاتی داشت برای مردم آزاده ما سرور و شادمانی می آفرید. در چنین سال و چنین ماه های پرهیجان ملی که مردم بیصبرانه انتظار داشتند رهبر محبوب شان (شاه امان الله غازی) پایان مذاکرات «راولپندی» و استقلال کامل کشورشانرا اعلام نماید، در گوشه ای از شهر باستانی «غزنه» در یک خانواده شریف و با دیانت افغان از قریه «باغوانی» سرخرو د ننگرهار طفلی چشم به جهان کشود که نامش را «عبدالرحمن» گذاشتند.

تولد این طفل نوزاد و نیک قدم، چون طلوع ستاره ای درخشان در آسمان کشور آنهم در سال آزادی-۱۹۱۹، در شهر تاریخی «غزنه»، شهریکه بنام (شهر شاهان و جهانکشایان) شهرت داشت و محل آرامگاههای امپراطورانی چون (سلطان محمود غزنوی) یا پیشگامان علوم ساینس و نجوم چون (البیرونی) یا عرفا و شعرای نامداری چون (حکیم سنایی) بود و با لآخره شهریکه کار (شاهنامه فردوسی)، این شاهکار بی نظیر زبان دری-

فارسی توسط ابوالقاسم فردوسی در آن جا آغاز و انجام یافته بود، یقیناً یک امر تصادفی نبود بلکه اراده پروردگار (یکتا) در میان بود ه است. تردیدی نیست که هیچ کس بشمول والدین نیک نامش نمی دانستند که این طفل نوزاد در مرحله بعدی حیات و انتخاب تخلص (پژواک) روزی شهره جهان خواهد گردید و افتخارات بزرگ و جاودانی را در رشته های شعر و ادب، نویسندگی، سیاست و دیپلماسی بین المللی برای مردم و کشورش به ارمغان خواهد آورد.

یادی از سالروز تولد «عبدالرحمن پژواک»، یک فردی از اشعار زیبایش را که همه عالی، دلپذیر و پرمفهوم اند، بخاطرم آورد و در واقع نمونه کوچکی است که نمایانگر آزادی فکری، آزاد منشی و آزاد نگری این مرد بزرگ میباشد و در حقیقت احترام عمیق ویرا به اصل آزاد زیستن انسان و احترام به کرامت انسانی، محکومیت اسارت و بردگی و رعایت «حقوق و آزادی های فردی»، نشان میدهد. وی چه خوب گفته است:

من مقتدی خویشم کس نیست امام من      من بنده آزادم کس نیست غلام من

نام پژواک بزرگ را در سال هاییکه محصل پوهنخی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل بودم از طریق رسانه های آنوقت خاصاً در گزارشهای مربوط به ملل متحد به اصطلاح وقت ونا وقت می شنیدم وبا اسم وی آشنا بودم. همکاری و آشنایی نزدیک من با این شخصیت بزرگ و ارجمند افغانستان و جهان خوشبختانه وقتی آغاز یافت که جنت مکان (پژواک) بحیث سفیر کبیر و نماینده دایمی افغانستان در مؤسسه ملل متحد در نیویارک ایفای وظیفه می نمودند و من درین وقت بحیث مأمور سیاسی دفتر «شورای امنیت» دارالانشای ملل متحد در نیویارک از طریق تصمیم آن مؤسسه و موافقه حکومت افغانستان شامل کار شدم.

بعد از ختم ماموریت ام در دفتر مذکور و عودت به کابل، فرصت نیک دیگری در حیاتم میسر گردید و آن وقتی بود که با تقرر ام بحیث یک دیپلمات و عضو نمایندگی دایمی افغانستان در ملل متحد در نیویارک در قطار همکاران نزدیک (پژواک بزرگ) قرار گرفتم. این بار در مدت بیشتر از چهار سال ماموریتم در آنجا فرصت داشتم تا از رهنمایی های بزرگ و ظیفوی، علمی و انسانی این شخصیت ارجمند و پرافتخار ملی و بین المللی وطنم بیاموزم.

هر زمانیکه به اوضاع نابسامان کشورم نظر انداخته افراد بی کفایت و بی تجربه تنظیمی را مشاهده می کنم که صرف به اساس داشتن ارتباط و علایق با (تنظیم های فاسد ماورای جهاد) و در نتیجه (پالیسی های نادرست حکومت امریکا در مورد افغانستان) که تنها (اهداف ستراتیژیک) خود را دنبال می نماید، سرنوشت دیپلماسی افغانستان آنهم درین حالت بحرانی مملکت متأسفانه به آنها سپرده شده است، مرا بیشتر به یاد «عبدالرحمن پژواک» می اندازد که اگر زنده می بود با مشاهده وضع پراکنده سیاست و دیپلماسی کشور چه حالی میداشتند؟ من خاطرات زیاد و فراموش ناشدنی شخصی و رسمی از آن «سرتاج» دنیای علم و معرفت، شعر و ادب نویسندگی، سیاست و دیپلماسی بین المللی دارم که به نسبت جلوگیری از طولانی شدن این نوشته تنها یک خاطره شخصی ام را از آن بزرگوارمهربان درین جا ذکر می کنم:

در یکی از روزها در دوران ماموریت ام در (نماینده دایمی افغانستان در ملل متحد) در نیویارک در حالیکه طبق پروگرام روزمره کاری در دفتر «پژواک بزرگ» پیشروی میز کار شان نشسته بودم بعد از ختم صحبت در مورد جلسه ای که یکساعت بعد در عمارت ملل متحد آغاز می یافت و من نظر به هدایت قبلی شان مؤظف بودم به نمایندگی از افغانستان در آن جلسه اشتراک نمایم پژواک، با آن متانت طبیعی و فطری که داشت بی پیرایه از من با تفصیل آتی سوال نمود:

"منگل عزیز، شهر کابل را بلد هستی؟ گفتم بلی، گفتند منطقه دهمزنگ را هم خوب می شناسی؟ جواب دادم بلی. پرسیدند در آنجا یک مناری است بنام «منار علم و جهل» آنرا دیده یی؟ گفتم بلی! اما سال های بل زمانیکه در کابل بودم ولی جزئیات آنرا بخاطر ندارم.

پژواک بعد از این سوالات شان و جوابات من، مکثی کرده به صحبت شان چنین ادامه دادند: "میدانی کشور ما افغانستان شاید یگانه کشوری در جهان باشد که برای «علم» و «جهل» منار واحدی بنا کرده است بدون اینکه فکر شود در حق «علم» چه جفای بزرگی صورت گرفته است که با «جهل» منار مشترک دارد". مرحوم پژواک افزودند "با وجودیکه این موضوع را بشکل مزاح زکرمی کنم و از گذشته این منار که بخاطر کدام رویداد دردناک تاریخی ساخته شده است اطلاع دارم ولی با آنهم یگان مرتبه نگرانی بمن دست میدهد که خدای نا خواسته بار دیگر «جهل» بر «علم» در کشور ما غالب نگردد زیرا چنین غلبه مصایب زیادی به مردم و کشور ما در گذشته بار آورده است".

### موضوع کاندیداسی و انتخاب احتمالی «عبدالرحمن پژواک» بحیث سر منشی ملل متحد:

در سال های بین ۱۹۶۷ - ۱۹۷۴ شهرت و محبوبیت «مرحوم عبدالرحمن پژواک» در سطح جهانی بحیث یک دیپلمات ورزیده، مجرب و آگاه از مسایل بین المللی، به اوج خود رسیده بود و این وقتی بود که پژواک ریاست سه جلسه مهم اسامبله عمومی ملل متحد یعنی جلسه عادی سالانه - جلسه خاص اسامبله عمومی و خصوصاً «جلسه فوق العاده اضطراری» اسامبله عمومی ملل متحد را که در وقت جنگ سال ۱۹۶۷ «اعراب - اسرائیل» در مقر ملل متحد در نیویارک دایر شده بود، با ابراز لیاقت و برازندگی آشکار دیپلماتیک، مؤفقانه رهبری کرد. پژواک در طول سال های متمادی ایفای وظیفه در ملل متحد، خدمات قابل توجه دیگری نیز در ساحه تدوین اصول و پرنسپ های حقوقی احترام به «حقوق و آزادی های فردی - حق خودارادیت آزاد مردم» و سایر حقوق والای بشری انجام داده است.

نظریات عالی پژواک در قسمت تدوین میثاق های دو گانه حقوق بشر ملل متحد بنام «میثاق حقوق سیاسی و مدنی» و «میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی» نقش قابل توجه داشت. پژواک برای مدتی «ریاست کمیسیون حقوق بشر ملل متحد» را نیز بر عهده داشتند.

در سال ۱۹۷۴ «اوتانت» سر منشی ملل متحد که از کشور برما انوقت یا میانمار امروز بود، وفات یافت، با وفات وی موضوع جا نشینی نامبرده و انتخاب سرمنشی جدید ملل متحد در سطح جهانی مطرح گردید. نام «عبدالرحمن پژواک»، این فرزند برومند افغانستان، در رأس نام های ده نفر کاندید احتمالی که همه

شخصیت های معروف بین المللی یا وزرای خارجه کشور های مربوطه شان بودند، برای احراز این مقام عالی و با پرستیژ در حلقه های سیاسی و دیپلماتیک جهان فعالانه مطرح گردید.

چون موضوع انتخاب سرمنشی جدید برای ملل متحد در سطح جهانی سرزبانها بود روزنامه ها نیز ضمن تبصره بر موضوع کاندید های احتمالی از پژواک بحیث کاندید قوی و مناسب نام می برد. در پهلوی جراید امریکا و غرب، من بخاطر دارم که مجله پر تیراژ آنوقت ایران بنام «ترقی» عکس بزرگ پژواک را در پیشروی عکس رنگه عمارت ملل متحد در نیویارک با دیزاین بسیار عالی در پشتی مجله مذکور بچاپ رسانیده بود. مجله «ترقی» با چاپ عکس پژواک در پشتی مجله، توجه خوانندگان خود را به این مطلب جلب نموده بود که به احتمال قوی «عبدالرحمن پژواک» سفیر کبیر و نماینده دایمی افغانستان در سازمان ملل سر منشی جدید آن سازمان خواهد بود.

سوالیکه درین جا مطرح شده می تواند اینست که با وجود چنین احتمال قوی انتخاب شدن پژواک بحیث سرمنشی ملل متحد، چرا حکومت خودش نخواست او را برای احراز این مقام عالی جهانی کاندید نماید؟ جواب آنرا که شاید برای هر افغان درد ناک و غیرقابل باور باشد در ذیل تو ضیح می نمایم:

۱- مرحله اول آغاز پروسه و دستورالعمل برای انتخاب (سرمنشی ملل متحد) معرفی کاندیداسی بشکل رسمی از طریق ارسال (یادداشت های رسمی) وزارت خارجه به موسسه ملل متحد و همه دول عضو موسسه ملل متحد میباشد که طی آن کاندید مورد نظر معرفی گردیده و پشتیبانی کشور های عضو ملل متحد مطا لیه میگردد ولی حکومت وقت افغانستان متأسفانه این کار را در قسمت پژواک مرحوم نکرد.

۲- در صورتیکه کاندیداسی مرحوم پژواک برای احراز پست مذکور از طرف حکومت افغانستان اعلام میگردد، لازم بود وزارت امور خارجه افغانستان تماس های رسمی با حکومت مربوطه اعضای شورای امنیت ملل متحد خصوصاً «پنج عضو دایمی» آن شوری یعنی امریکا - انگلستان - فرانسه - چین و اتحاد شوروی وقت، برقرار می نمود و پشتیبانی دول مذکور مطالبه میگردد زیرا به اساس منشور ملل متحد شورای امنیتاورگان اصلی برای انتخاب سرمنشی ملل متحد میباشد که این کار نیز متأسفانه از طرف حکومت وقت صورت نگرفت.

درحالیکه جنت مکان پژواک تمام عمر خود را در سطح ملی، منطوقی و بین المللی برای خدمت به مردم و کشورش با آن همه صداقت و سویه عالی وقف نموده بود و افتخارات بزرگ و بیسابقه ای رانیز نصیب مردم و کشورش ساخت، وقتی چنین (فرصت طلایی) برای احراز پست عالی و با پرستیژ سر منشی ملل متحد برای مرحوم «عبدالرحمن پژواک» بمیان آمده بود روی هر دلیل یا دلایلی که نزد حکومت وقت موجود بود و شاید ناشی از کدام خصومت شخصی و خا ینانه در داخل دستگاه حاکمه بوده باشد، دولت درزمینه هیچ کاری نکرد.

در نزد من نیز بحیث یک افغان و همکار نزدیک مرحوم پژواک البته همیشه این سوال موجود بود که چرا حکومت چنین شخصیت باکفایت، محبوب و ارجمند ملی و بین المللی را برای پست مذکور کاندید نکرد؟ شاید مرحوم پژواک خودش علت را میدانست ولی درین مورد تا روزیکه من در نیویارک همکار نزدیکش بودم

سکوت کامل اختیار نموده و هیچگونه تبصره ای در زمینه از وی نشنیدم، ولی این فرد آتی شعر پژواک در آن وقت بنام (نوی خاموش) همیشه به خاطر می بود که گفته است

بی سخن نمی داند کس خموشی ام پژواک در سخن نمی گنجد هرگز، گفتن که من دارم

جواب این سوال را خودم وقتی دریافتم که بعد از ختم ماموریتم در نیویارک در سال ۱۹۷۶ دوباره به کابل برگشتم، روزی از روزها زمانیکه در دفتر «معاونیت ملل متحد و کنفرانس های بین المللی» وزارت امور خارجه که من در رأس آن قرار داشتم، اسناد و دوسیه های مر بوطه ملل متحد را مطالعه می کردم از روی تصادف با دوسیه «انتخاب سر منشی جدید ملل متحد» بر خوردم. از مطالعه آن دوسیه از «تصمیم غیر قابل عفو» حکومت وقت درین مورد اطلاع یافتم و ان چنین بود: ((درمورد موضوع انتخاب سر منشی جدید ملل متحد اقداماتی لازم نیست دوسیه حفظ شود)).

در اخیر با اتحاف دعای بی پایان به روح پاک مرحوم «عبدالرحمن پژواک»، این نوشته نا چیز ام را به بزرگ داشت «نام جاویدان» آن انسان بزرگ و شخصیت برجسته ملی و بین المللی افغانستان در این سالروز تولد شان اهداء می نمایم. روح شان شاد و خاطره شان برای همیشه جاودان و گرامی باد.

